

مشروعیت تنبیه بدنی کودکان از منظر فقه اسلامی

فاطمه محمدی^۱، سید محمود کاویانی^۲

چکیده

دین مبین اسلام روش‌های تربیتی خاصی دارد که عمده‌ترین آنها تشویق و تنبیه و یا انذار و تبشیر می‌باشد. یکی از سؤالات مهمی که فراروی فقهای اسلامی قرار گرفته است، مشروعیت به کارگیری تنبیه به ویژه تربیت بدنی در فرآیند تربیت اسلامی است. علی‌رغم دیدگاه‌های متفاوتی که در این زمینه بین اندیشمندان وجود دارد به نظر می‌رسد، هرچند در تعلیم و تربیت اسلامی اساس تربیت بر محبت و ملایمت است و می‌توان تشویق را روش اصلی تربیتی دانست اما در صورتی که تشویق مؤثر واقع نشود، می‌توان از انواع تنبیه استفاده نمود. البته برخی تنبیه را تحت هیچ شرایطی صحیح نمی‌دانند، اما از نظر فقه اسلامی اگر به کارگیری تنبیه با هدف اصلاح و بازدارندگی و فاقد انگیزه انتقامی باشد، در صورت رعایت حدود بایسته‌های شرعی لازم، نه تنها صحیح است بلکه در برخی موارد ضروری می‌باشد. فقه اسلامی و فقهای نامدار شیعه، با وجود این که تنبیه را جایز می‌دانند، اما کودک‌آزاری را که هدفی جز انتقام جویی ندارد، جایز نمی‌دانند.

واژگان کلیدی: تنبیه، تنبیه بدنی، میزان تنبیه، کودک‌آزاری.

۱. دانش‌پژوه مقطع کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی، از کشور افغانستان، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

Email: fateme.s.muhammadi@gmail.com

۲. رئیس مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، دانشیار جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

۱. مقدمه

دین اسلام مانند دیگر ادیان اصیل آسمانی جز زدودن اذهان و مغزهای بشری از آلودگی‌ها و اندیشه‌های انحرافی و پرکردن این جای خالی به وسیله قوانین و مقررات طبیعی جهان آفرینش و وظیفه‌ای ندارد. به عبارت دیگر رسالت دین اسلام، پرورش و آموزش است و در این مسیر، روش‌های تربیتی را پی می‌گیرد. یکی از عمده‌ترین روش‌های تربیتی برگرفته از رهنمون‌های انسان‌ساز اسلام، استفاده از تشویق و تنبیه در کنار هم است، اما از آنجاکه همواره اعمال روش تنبیه در خانواده با برخی افراط و تفریط‌ها همراه بوده است، به همین دلیل برخی رویکردهای جدید تربیتی، روش تربیتی تنبیه را به طور کلی انکار می‌کند. از این رو ضروری است با تبیین جایگاه روش تربیتی تنبیه بدنی در نظام تربیتی اسلام، برخی اشکالات و شبهات به ویژه شبه مشروعیت تنبیه بدنی کودکان از منظر فقه اسلامی در مورد مشروعیت و موارد جواز تنبیه بررسی شود. مقاله حاضر با شرح کلیات، مفاهیم اساسی تحقیق را مطرح و با اشاره به برخی نظریات فقهی، حدود و میزان تنبیه بدنی را تبیین می‌کند.

۲. مفهوم‌شناسی

۲-۱. تنبیه

تنبیه در لغت به معنی بیدار و واقف کردن بر چیزی است. برای تنبیه، گاهی از حروف تنبیه استفاده می‌شود؛ یعنی الفاظی که برای آگاه و بیدار کردن مخاطب استفاده می‌شود مانند هان، هین، الا و.... تنبیه گاهی برای آگاه شدن، سیاست شدن و بیدار کردن از غفلت است و گاهی به وسیله چوب زدن، کتک زدن و سیاست کردن (دهخدا، ۱۳۷۷، ۴/۶۱۴۵) صورت می‌پذیرد. در اصطلاح روان‌شناسی، تنبیه عبارت است از: ضعیف شدن یا کاهش بروز یک رفتار پس از ارائه تقویت‌کننده منفی یا محرک آزارنده به دنبال آن. برای مثال اگر کودک حرف زشت بزند با ارائه تقویت‌کننده منفی و سیلی زدن، احتمال گفتن حرف زشت کم می‌شود.

۲-۱-۱. تنبیه بدنی

تنبیه بدنی، نوعی تنبیه عملی است، اما با توجه به اینکه این نوع تنبیه برخلاف سایر انواع تنبیه عملی با آزار جسمی همراه است همواره به طور خاص و مستقل بررسی می‌شود. تنبیه بدنی، آخرین راه بعد از عدم موفقیت مراحل قبلی است و در شرایط خاص از آن استفاده می‌شود.

۳. موارد مجاز تنبیه بدنی و حکمت آن در روایات اسلامی

هرچند نمی‌توان انکار کرد که تنبیه بدنی یکی از خطرناک‌ترین روش‌هاست و با توجه به آثار منفی که دارد تا حد امکان باید از آن اجتناب کرد، اما اگر هیچ‌یک از راه‌های تنبیه مؤثر واقع نشد، روایات اسلامی استفاده از تنبیه بدنی را به قدر ضرورت و با توجه به شرایطی لازم دانسته‌اند.

۳-۱. تربیت دینی فرزندان

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «کودکانتان را از شش سالگی به نماز وادار کنید و اگر پندواندرز مؤثر نیفتاد و از دستور شما تخلف کردند در سن هفت سالگی می‌توانید با کتک، آنها را به نماز خواندن وادار کنید». (صدوق، ۱۴۱۳/۲۸۰) امام صادق می‌فرماید: «وقتی کودک به سن نه سالگی رسید وضو گرفتن را یادش بدهید و وادارش کنید وضو بگیرد و نماز بخواند و اگر تخلف نمود می‌توانید با کتک او را وادار به نماز خواندن کنید» (حرعاملی، ۱۴۱۴، ص ۴۲۰).

۳-۲. نافرمانی خادم

حضرت علی رضی الله عنه فرمود: «اگر خادم تو از خدا نافرمانی کرد او را بزنی، اما اگر از تو نافرمانی کرد او را بیخس». (طوسی، ۱۳۶۵، ۲۷/۱۰)

۳-۳. تربیت یتیم

حضرت علی رضی الله عنه فرمود: «همان طور که فرزندان را تأدیب می‌کنی یتیم را نیز تأدیب کن و در هر جا که برای تأدیب فرزندان از کتک استفاده می‌کنی برای یتیم نیز استفاده کن». (حرعاملی، ۱۴۱۴، ۴۷۸/۲۱) «مردی نزد پیغمبر صلی الله علیه و آله آمد و عرض کرد: کودکی یتیم، تحت سرپرستی من است. آیا

می‌توانم برای تأدیب، او را بزنم. فرمود: درحالی‌که برای تربیت فرزندت می‌توانی او را بزنی برای تربیت یتیم نیز می‌توانی از کتک استفاده کنی» (نوری، ۱۴۰۸، ۱۶۷/۱۵).

۳-۴. حکمت جواز تنبیه در این موارد

به نظر می‌رسد حکمت و علت تجویز تنبیه بدنی از سوی فقه اسلامی و حکما در بسیاری از تخلف‌ها و معاصی، درد و تألمی است که تنبیه بدنی در متخلف به جای می‌گذارد و یا ترس از درد و رنج آن نسبت به آینده است، پس ترس، نقش مؤثری در بازدارندگی از تخلف دارد. انسان به هر امری که خاطر او را راضی می‌کند، روی می‌آورد و از آنچه متألم و دردمندش می‌سازد، روی برمی‌تابد. بنابراین، تنبیه نباید با انگیزه انتقام، تشفی خاطر یا فرونشاندن غضب صورت گیرد. در آیه «وَالكَاطِمِينَ الْغَيْظِ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ» (آل عمران: ۱۳۴) به این حقیقت اشاره شده است که مردم باید خشم خود را فرو نشانند و از برخی اعمال و رفتار دیگر چشم‌پوشند. وقتی کظم غیظ و عفو نسبت به بزرگسالان، یک ارزش اخلاقی در تعالیم اسلامی محسوب می‌شود این نتیجه به دست می‌آید که اعمال این خصیصه اخلاقی در مورد خردسالان بسیار به جا خواهد بود. بنابراین، اگر برای تربیت اخلاقی کودک و نوجوان نیاز به تنبیه بدنی پیدا نمود نباید برای تشفی و انتقام به این کار اقدام کرد.

تنبیه کودک و نوجوان متخلف علاوه بر اینکه خود آنها را از تکرار تخلف منع می‌کند عبرتی برای کودکان و نوجوانان دیگر است تا گرد اعمال خلاف نگردند. خداوند متعال در قرآن در مورد تنبیه زن و مرد زناکار می‌گوید: «وَلْيَشْهَدْ عَذَابُهُمَا طَائِفَةٌ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ؛ باید گروهی از مؤمنین، ناظر شکنجه زن و مرد زناکار باشند» (نور: ۲). منظور این است که دیگران با مشاهده شکنجه گناهکار، عبرت اندوزند و خود متخلف نیز از شکنجه، تأثیر بیشتری بگیرد؛ زیرا اثر تنبیه بدنی در گناهکار، افزون بر شکنجه‌ای است که رسوا و مفتضح می‌شود. علاقه به احترام، برتری و سرافرازی در انسان، فطری است و وقتی تنبیه به طور علنی انجام گرفت بر رنج او می‌افزاید و نیروی بازدارنده را در متخلف تقویت می‌کند. اثر تنبیه بدنی متخلف ناظر بر این است که شکنجه او را می‌بینند و در قوه

مخيله خود آن را تصوير مي‌کند که هرگاه اين تنبيه و مجازات بر آنها واقع مي‌شد چه اثری در آنها ايجاد مي‌کرد، پس آنها نيز مانند متخلف، متألم و دردمند مي‌شوند. گاهي در مورد کودکان و نوجوانان، شرايطی پيش مي‌آيد که ناگزير بايد برای جلوگیری از تکرار تخلف، به طور علنی تنبيه شوند تا در يك فرصت محدود نتيجه گسترده‌تری نصيب ديگران شود (حجتی، ۱۳۸۳، ص ۳۲-۴۹). توجه به اين نکته ضروری است که زياده‌روی در تنبيه روا نيست؛ زيرا درد و رنجی که باعث ترک اعمال زشت در کودک است برای او عادی مي‌شود و اثر اين عامل تربيتی از بين مي‌رود؛ زيرا زياده‌روی در تنبيه بدنی، تناسب رياضي با درد ندارد. اين مطلب در روان‌شناسی ثابت شده است (حجتی، ۱۳۸۳، ص ۳۲-۴۹). همچنين زياده‌روی در تنبيه باعث عادی شدن تنبيه و زايل شدن اثر بازدارندگی آن نسبت به سايرين مي‌شود.

۴. ميزان تنبيه بدنی از منظر فقه اسلامی

مردی به پيغمبر اکرم صلی الله علیه و آله عرض کرد: «خانواده‌ام نافرمانی مي‌کنند، به چه وسيله‌ای آنها را تنبيه کنم، فرمود: آنها را ببخش، در مرتبه دوم و سوم سؤال را تکرار کرد و پيغمبر صلی الله علیه و آله همان جواب را داد، سپس فرمود: و اگر خواستی آنها را تنبيه کنی، مواظب باش عقاب تو از جرم آنان پيشتر نباشد و از زدن به صورت، خودداری کن.» (هيثمی، ۱۴۰۸، ۱۰۶/۸) امام صادق عليه السلام در روايتی فرمود: «تأديب کودک و خدمتکار در مواقع ضرورت از پنج يا شش ضرب نبايد تجاوز کند، خیلی هم محکم نزنيد» (حرعاملی، ۱۴۱۴، ۳۷۲/۲۸).

۴-۱. ميزان تنبيه در سخن فقها

محقق حلی می‌گويد: «در تنبيه صبی، کراهت دارد که بيش از ده ضربه زده شود و شايسته است بيش از ده ضربه زده نشود.» (حلی، ۱۴۰۲، ص ۲۲۱) بعضی فقها تأديب کودک را از ساير مجازات‌ها جدا می‌دانند و می‌نويسند: «اولا يرد في تأديب الصبي على عشرة أسواط، وكذا المملوك؛ در تربيت صبی و مملوک نبايد بيش از ده ضربه زده شود» (حلی، ۱۴۱۳، ۵۴۸/۳). شيخ طايفه در کتاب خلاف می‌نويسد: «على الأبوين أن يؤديا الولد إذا بلغ سبع سنين أو ثمانيا و على وليه أن يعلمه

الصوم والصلاة، وإذا بلغ عشرة ضربه على ذلك، يجب ذلك على الولي دون الصبي و به قال الشافعي؛ بر پدر و مادر واجب است که هرگاه فرزند به سن هفت یا هشت سالگی رسید در تأدیب او بکوشند و بر ولی کودک لازم است که به او نماز و روزه را بیاموزد و در ده سالگی می‌تواند برای آموزش نماز و روزه تا ده ضربه به کودک بزند» (طوسی، ۱۴۰۷، ۳۰۴/۱). امام خمینی رحمته الله علیه در این باره می‌فرماید: «السادس - قيل: إنه يكره أن يزداد في تأديب الحسى على عشرة أسواط، والظاهر أن تأديبه يحسب نظر المؤدب والولى، فربما تقتضى المصلحة أقل وربما تقتضى الأكبر، ولا يجوز التجاوز، بل ولا التجاوز عن تعزير البالغ بل الأحوط دون تعزيره، وأحوط منه الاكتفاء بستة أو خمسة؛ مكروه است تأديب کودک به بیش از زدن ده تازیانه و ظاهر این است که تأدیب باید براساس نظر مربی و ولی باشد، پس چه بسا مصلحت کمتر از ده تازیانه را اقتضا کند و چه بسا بیشتر و جایز نیست تجاوز از نظر مربی، بلکه نباید تجاوزی از میزان تعزیر بالغ در کار باشد، بلکه احوط آن است که تأدیب باید کمتر از تعزیر باشد و احوط هم آن است که در تأدیب به شش یا پنج ضربه اکتفا کند» (خمینی، ۱۳۹۳، ۵۱۰/۲).

۲-۴. میزان تنبیه بدنی در استفتائات فقهای معاصر

با توجه به اینکه دین اسلام، تنبیه بدنی را در درجه آخر قرار داده و با شرایطی خاص، اجرای آن را ضروری دانسته است با این حال موارد معدودی از کودک‌آزاری دیده می‌شود که والدین بی‌توجه به این شرایط، خشونت زیادی را نسبت به فرزندان روا می‌دارند. در این قسمت با توجه به اهمیت تعیین مصادیق تنبیه کودک‌ان در شرع مقدس و حد شرعی تنبیه و حکم والدین کودک‌آزار، استفتائات مراجع عظام آقایان سیستانی، مکارم شیرازی، صانعی و موسوی اردبیلی بررسی می‌شود. این استفتاءات توسط خبرگزاری دانشجویان ایران، ایسنا، صورت گرفته و به نقل از سایت این خبرگزاری در سایر سایت‌ها و خبرگزاری‌ها منعکس شده است. (خبرگزاری دانشجویان ایران، ایسنا، ۱۳۸۲) متن سئوالات و پاسخ مراجع عظام بدین شرح است: نظر به برخی گزارش‌ها درباره کودک‌آزاری که در رسانه‌ها منتشر می‌شود، نظر خود را در مورد سئوالات ذیل بیان فرمایید:

-کودک آزاری در شرع به چه مواردی اطلاق می‌شود؛

-حد شرعی تشبیه چیست و بیش از آن چه حکمی دارد؛

-آیا می‌توان کودک را از سرپرستی پدر و مادر کودک آزار که در مراجع قانونی ثابت شده است،

خارج کرد؛

-حکم شرعی والدین کودک آزار چیست.

۴-۲-۱. پاسخ آیت‌الله العظمی سیستانی

-این یک اصطلاح شرعی نیست؛

-تنبیه بدنی جایز نیست مگر اینکه تأدیبی که لازم است متوقف بر آن باشد و دراین صورت،

پدر یا کسی که ازسوی او مجاز است، می‌تواند به طوری که موجب سرخ یا کبود شدن نباشد کودک

را بزند، ولی به احتیاط واجب نباید از سه ضربه سبک تجاوز کند. به‌رحال اگر موجب سرخی یا

کبودی شد دیه دارد، حتی اگر ازسوی پدر باشد و به احتیاط واجب، زدن به‌هرصورت باشد، پس

از سن بلوغ جایز نیست.

- اگر حاکم شرع تشخیص دهد که پدر و مادر از نظر حفظ سلامتی کودک مورد اطمینان

نیستند، می‌تواند آنها را از حق حضانت و سرپرستی کودک محروم کند؛

- اگر آزار آنها مستلزم دیه باشد باید بپردازند، بلکه در مواردی قصاص نیز در مورد مادر اجرا

می‌شود.

۴-۲-۲. پاسخ آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی

کودک آزاری در شرع فقه اسلامی جایز نیست و هرگاه پدر یا مادری مرتکب چنین کاری شوند حاکم

شرع می‌تواند آنها را تعزیر کند و اگر کاری باشد که منتهی به فوت یا نقص عضو یا جراحی شود دیه

دارد، ولی تنبیه‌های جزئی و مختصر که هیچ‌گونه اثری روی بدن نگذارد آن هم در صورت ضرورت،

مانعی ندارد و چه بهتر که از آن هم صرف‌نظر شود و با تشویق و محبت اقدام به تربیت شود.

۴-۲-۳. پاسخ آیت‌الله العظمی موسوی اردبیلی

- کودک‌آزاری در فقه نیامده است، ولی پدر و مادر حقوق نوزاد را باید رعایت کنند غیر از مخارج و نفقه، خواندن و نوشتن و شنا یاد بدهند؛

- حد شرعی تنبیه اولاد آن اندازه‌ای که موجب دیه نباشد، اشکال ندارد، آن هم اگر اولاد، بدون آن تنبیه، تربیت نشود و بیش از آن اندازه موجب دیه بر پدر و مادر می‌شود و موارد مختلف است و ممکن است در بعضی از آنها قصاص باشد؛

- اگر پدر و مادر با تشخیص حاکم شرعی از صلاحیت سرپرستی و تربیت اولاد افتادند جد پدری و بعد از او وصی پدری و بعد از آن اقوام و فامیل‌های اولاد به حساب مراتب ارث، سرپرستی و تربیت اولاد را به عهده بگیرند و سرپرستی کنند؛

- حکم شرعی والدینی که بچه را بیشتر از حد شرعی تنبیه مذکور، اذیت می‌کنند قهر مراتبش مختلف است. در برخی موارد موجب دیه و در برخی موارد موجب قصاص می‌شود.

۴-۲-۴. پاسخ آیت‌الله العظمی صانعی

تشخیص نسبت به محاکم با قانون است و نسبت به خود افراد بین خود و خدا موارد آن معلوم و روشن است اگرچه موارد مختلفی دارد و همه آنها حرام است؛ زیرا آزار به انسان‌ها بدون تفاوت در آزاردهنده، آزارشونده و مراتب آن به حکم عقل و شرع، حرام است؛

در راستای ادب و تربیت کودکان توسط والدین، تنها اذن پنج ضربه و یا شش ضربه نه زیادت‌تر آن هم با انحصار راه تربیت به آن و در مسیر جلوگیری از فساد اخلاقی و ارتکاب کارهای ناشایست و به شرط اینکه ضربه به‌طور سخت و موجب زخم شدن و یا تغییر رنگ پوست نباشد، اجازه داده شده است. ناگفته نماند با آنکه امروزه تربیت اولاد و رشد استعداد‌های آنها رشته‌ای بسیار مهم است و علما و متخصصانی دارد، نیاز به تنبیه بدنی که مانع از تربیت و رشد استعدادهاست بسیار نادر است و بر همه قدرت‌های تبلیغی و فرهنگی است که راه‌های احسن تربیت، ادب و فرهنگ را تبلیغ کنند تا پدران و مادران مهربان و همه مربیان از آن استفاده کنند و راه کودک‌آزاری مسدود شود. باید همگان را به سیره رسول اسلام ﷺ در جلوگیری از تربیت و ادب هنگام غضب و خشم

متوجه کرد تا ادب و تربیت همراه با عاطفه و حاکمیت عقل و علم و خود انجام گیرد؛ زیرا حالت خشم و غضب در هنگام ادب و تربیت، همه جهات عقلانی، علمی و انسانی تربیت را مستور می‌کند و پرده و حجاب سخت و آهنینی بر روی همه آنها قرار می‌دهد.

- برای دفع منکر و آزار و اذیت نه تنها جایز است، بلکه واجب نیز است، ولی به هر حال باید آنها را وادار به عمل تکلیف واجب حضانت و تربیت کرد تا هم به تکلیف و وظیفه واجب خود عمل کنند و هم بار و زحمت فرزندداری که آنها سبب آن بوده‌اند به عهده دیگران نیفتد.

- از پاسخ سؤال ۱ روشن می‌شود.

۵. نتیجه‌گیری

تنبیه به معنای بیدار و واقف کردن بر چیزی است که گاهی برای تنبیه از حروف تنبیه استفاده می‌شود؛ یعنی الفاظی که برای آگاه و بیدار کردن مخاطب به کار می‌رود مانند هان، هین، الا و... گاهی این تنبیه، آگاه‌شدن، سیاست‌شدن و بیدار کردن از غفلت است و گاهی تنبیه کردن به وسیله چوب‌زدن، کتک‌زدن و سیاست‌کردن است که مصداق بارز آن تنبیه بدنی است. موارد مجاز تنبیه بدنی در نافرمانی خادم، تربیت دینی فرزندان و تربیت یتیم شناخته شده که میزان این تنبیه در کلمات فقها سه تاده ضربه بیان شده است. از منظر فقهای معاصر، تنبیه نباید باعث سرخ شدن و کبود شدن بدن شود که مصداق کودک‌آزاری است یا باعث فوت یا نقص عضو یا جراحتی شود که در این صورت دیه و قصاص ثابت می‌شود.

فهرست منابع

- * قرآن کریم (۱۳۷۳). مترجم: مکارم شیرازی، ناصر. قم: دارالقرآن الکریم.
۱. حجتی، محمدباقر (۱۳۸۳). شرایط و کارایی تنبیه و راه‌حل‌های جایگزین. نشریه حوزه و دانشگاه، شماره ۴۰، ۳۲-۴۹.
 ۲. حرعاملی، محمدبن حسن (۱۴۱۴). وسائل الشیعه الی تحصیل الشریعه. قم: آل‌البیت.
 ۳. حلی، ابوالقاسم جعفر بن حسن (۱۴۰۲). مختصر النافع فی فقه الامامیه. تهران: قسم الدراسات الاسلامیه فی مؤسسه البعثه.
 ۴. حلی، محمدبن یوسف بن مطهر (۱۴۱۳). قواعد الاحکام فی معرفه الحلال و الحرام. قم: نشر اسلامی.
 ۵. خبرگزاری دانشجویان ایران، ایسنا (۱۳۸۲). حقوقی - قضایی، www.isna.ir
 ۶. خمینی، سید روح‌الله (۱۳۹۲). تحریر الوسیله. قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار الامام الخمینی علیه السلام.

۷. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷). لغت نامه دهخدا. تهران: انتشارات و چاپ دانشگاه.
۸. صدوق، محمد بن حسین (۱۴۱۳). من لا یحضره الفقیه. قم: مؤسسه نشر اسلامی.
۹. طوسی، محمد بن حسن (۱۳۶۵). تهذیب الاحکام. تهران: چاپخانه خورشید دارالکتب الاسلامیه.
۱۰. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷). خلاف. قم: مؤسسه نشر اسلامی.
۱۱. نوری، میرزا حسین (۱۴۰۸). مستدرک الوسائل. بیروت: مؤسسه آل البيت.
۱۲. هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر (۱۴۰۸). مجمع الزوائد و منبع الفوائد. بیروت: دارالکتب الاسلامیه.

